

بررسی نقش مسائل جنسی در زندگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق با روش تماتیک

فهمیه رجایی^۱، یوسف گرجی^{۲*}

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر، اصفهان، ایران.

jtaghiyar2000@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

gorji@iaukhsh.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۵/۱۸]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۴/۲]

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی مسائل جنسی در زندگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق بود. روش: پژوهش از نظر هدف بنیادی و از نظر نوع روش توصیفی-تحلیلی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق در شهرستان آمل که از مهرماه تا آذرماه سال ۱۳۹۸ به دادگستری شهرستان مراجعه کرده‌اند. افراد نمونه به صورت در دسترس از میان زوجین متقاضی طلاق شهرستان آمل انتخاب و مصاحبه نیمه ساختاریافته بر زوجین مراجعه‌کننده، انجام شد و در نهایت تعداد نمونه با ۲۰ زوج به اشباع رسید. یافته‌های به دست آمده به صورت کمی با استفاده از درصد و فراوانی و آزمون خی دو تجزیه و تحلیل گردید. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین پاسخ زنان و مردان در خصوص اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران مجردی و نقش عدم رضایت از رابطه جنسی در فروپاشی زندگی مشترک وجود ندارد؛ در حالی که بین پاسخ زنان و مردان در خصوص اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران بعد از ازدواج، نقش امور جنسی در پیدایش طلاق، در خصوص ادامه یا جدا شدن از همدیگر به خاطر عدم رضایت جنسی تفاوت وجود دارد. زنان اهمیت مسائل جنسی را بعد از ازدواج و اهمیت رابطه جنسی را در فروپاشی زندگی زناشویی و پیدایش طلاق نسبت به مردان بیشتر برآورد کردند. در نتیجه روانشناسان و مشاوران می‌توانند در مرکز پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری، مراکز مشاوره طلاق، مشاوره جنسی و سکس‌تراپی برای ارتقای سطح آگاهی درست زوجین از مسائل جنسی استفاده نمایند.

واژگان کلیدی: زوجین متقاضی طلاق، زندگی زناشویی، نقش مسائل جنسی.

۱- مقدمه

از بزرگ‌ترین عواملی که بیش از هر چیز زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تمایلات جنسی است و ارضای این تمایلات به نحو مطلوب در تکوین شخصیت انسان نقش قاطع دارد. انگیزه و میل جنسی همانند سایر انگیزه‌های بنیادین آدمی بخش جدایی‌ناپذیر ماهیت زیستی، روانی و اجتماعی او را تشکیل می‌دهد و روشن است که کیفیت ارضای این انگیزه نقش بسیار مهمی را در سلامت فردی و اجتماعی و دستیابی به آرامش و آسایش ایفا می‌کند (vvií ková & dddkklov,, 2020). به‌طور کلی بی‌توجهی طولانی‌مدت به غریزه جنسی در زوجین عوارض جبران‌ناپذیری به‌جای خواهد گذاشت و در اکثر مواقع موجب اختلال در روابط جنسی و عدم رضایت جنسی زوج‌ها شده و منجر به فروپاشی بنیان خانواده می‌گردد (Stephenson, 2020)؛ بنابراین حفظ و تداوم خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. خانواده به‌عنوان یک واحد اجتماعی، کانون رشد و تکامل و التیام و تغییر و تحول آسیب‌ها و عوارض می‌باشد که هم بستری برای شکوفایی و هم فروپاشی روابط میان اعضایش است (یاقوتیان، سلیمیان و بخشی، ۱۳۹۴). در یک ازدواج توأم با رضایت، نیاز به تفاهم در خصوص نقش‌ها، هویت‌ها و سایر عوامل مؤثر در زندگی زناشویی مخصوصاً روابط جنسی احساس می‌گردد (Ramos Salazar, 2015). مطابق آمار ارائه‌شده، میزان طلاق سالانه در ایران در حال افزایش است. ایران از نظر آمار طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد و بر اساس آمار سازمان ثبت‌احوال، در مقابل هر سه ازدواج ثبت‌شده، یک طلاق به ثبت رسیده است (فولادی و شاه نعمتی گاوگانی، ۱۳۹۴). همچنین آمارها نشان می‌دهد که از هر سه ازدواج در سال ۱۴۰۰ یک مورد به طلاق منجر شده است (سایت مگ ایران، ۱۴۰۱).

یکی از عوامل مؤثر در فرایند طلاق، مشکلات جنسی در یکی از زوجین است؛ زیرا نیاز انسان به محبت و نوازش از جانب هم‌نوعش بسیار ژرف‌تر و حادث‌تر از احتیاج او به غذاست و ضرورت آن برای بقاء و پایداری انسان امری غیرقابل‌انکار می‌باشد. باین‌وجود مسائل جنسی در بیشتر جوامع و مذاهب یک تابو است که در هاله‌ای از مسائل خرافی پیچیده شده و صحبت در حدود آن معمولاً با احساس‌های منفی مثل شرم، خجالت، ترس و گناه همراه است. این در حالی است که رفتار و روابط جنسی، مثل خوردن و آشامیدن جزئی از نیازهای زندگی همه انسان‌ها و به عبارتی لازمه یک زندگی مشترک سالم و بقاء نسل او است (Maasoumi, Shivarani, Lamb & Zarei, 2020). وجود مشکلاتی در زمینه مسائل جنسی مثل کمبود تمایلات جنسی، ناتوانی جنسی و غیره چه‌بسا که به خاطر ترس و اضطراب، شرم و خجالت یا احساس بی‌کفایتی و گناه مخفی مانده و بیان‌نشده و زنان به علت حجب و حیا علائم این مشکلات را درست بیان نمی‌کنند و مشکلات جنسی به‌صورت نهفته با علائم و عوارض دیگری مثل ناراحتی‌های جسمانی، افسردگی و نارضایتی از زندگی زناشویی بروز می‌کند. نارضایتی از مناسبات جنسی، علاوه بر تأثیرات منفی روانی بر خود فرد مانند افسردگی، عدم تعادل روانی و شخصیتی، پیامدهایی چون پرخاشگری و خشونت، روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده نیز داشته و بر دیگر اعضای خانواده، اطرافیان و سلامت جامعه نیز تأثیرگذار خواهد بود (اوحدی، ۱۳۸۴)؛ به‌عبارت‌دیگر رابطه جنسی هنر ظریفی است که باید «درست عمل شود» در غیر این صورت رابطه‌ای که می‌تواند در خدمت تفاهم و مهر و محبت بشر قرار گیرد، برعکس نتیجه منفی خواهد داشت: یعنی زن و مرد را به سمت و سوئی انحرافی میراند. اگر به هر دلیلی روابط جنسی سالم بین زن و شوهر ایجاد نشود، یکی از آن‌ها یا هر دو، ناراضی، دلخور و دل‌زده خواهند شد و در نتیجه اگر سایر شرایط تفاهم فراهم نباشد، امکان فروپاشی زندگی زناشویی و بالاخره جدایی بیشتر می‌شود (Shakerian, Nazari, Masoomi, Ebrahimi & Danai, 2014).

غریزه جنسی از نیازهای ذاتی انسان است. به‌طوری‌که مزلو^۱ این نیاز را در رده نیازهای جسمانی یا نیازهای حیاتی اولیه قرار داده است (طلایی‌زاده و بختیار پور، ۱۳۹۵). در زمینه رابطه جنسی نیز می‌توان گفت که اگرچه زندگی زناشویی سعادت‌مندانه فقط تا اندازه‌ای مربوط به رابطه جنسی است، ولی این رابطه ممکن است از مهم‌ترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی در زندگی زناشویی باشد؛ زیرا اگر این رابطه قانع‌کننده نباشد منجر به احساس محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی (به خطر افتادن سلامت روان) و در نتیجه

ازهم‌پاشیدگی خانواده می‌شود (مجبی، ۱۳۹۰). روابط جنسی با تأثیر بر افکار و احساسات زوجین می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم روابط بین آن‌ها را در ابعاد وسیعی تحت‌الشعاع خود قرار دهد؛ بدین معنی که زوجینی که در این زمینه باهم سازگاری داشته و از این بابت خوشحال و مسرور باشند، قادرند به‌راحتی از بسیاری از ناهماهنگی‌های زندگی خویش چشم‌پوشی نمایند، درحالی‌که ناهماهنگی زندگی می‌تواند در زوجینی که رضایت جنسی ندارند عواقب وخیمی را به وجود آورد (Student & Student, 2011؛ یزدان پناه، جورکش، دهقان و جعفر زاده، ۱۳۹۸). به‌طورکلی مسائل جنسی، عامل مهمی در موفقیت زندگی زناشویی است. رضای جنسی اگر درون خانواده و به‌درستی انجام گیرد و رضایت را برای هر دو طرف به همراه داشته باشد، ضمن این‌که سلامت جسمانی و روان‌شناختی زوجین تضمین می‌شود، مشکلات و تنش در خانواده نیز کاهش می‌یابد؛ بنابراین پرداختن مستقیم به شناسایی و تشخیص مشکلات جنسی و آگاه شدن بر عوامل تأثیرگذار بر این فرایند، می‌تواند به حل مشکلات زوجین و بهبود روابط آنان کمک نماید. بااین‌وجود پژوهش‌های ناکافی در این زمینه و تفاوت‌های فرهنگی از لحاظ مسائل جنسی در طلاق با کشورهای خارجی، خلأ پژوهشی در این زمینه مشهود می‌باشد، لذا این پژوهش به بررسی نقش مسائل جنسی در زندگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق پرداخته است.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

رابطه جنسی به منزله مینیاتور رابطه‌ی عمومی است. وجود جو دائمی خشونت و عصبانیت میان زوجین فرصت‌های شیرین و رمانتیک را سلب کرده، مجالی برای تحریک هوس جنسی و برقراری رابطه جنسی نمی‌ماند. یکی از مهم‌ترین عوامل خوشبختی زندگی زناشویی خوب و کیفیت زندگی خوب، روابط لذت‌بخش جنسی است؛ زیرا در صورت رضایت‌بخش نبودن آن، سبب ایجاد احساس محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می‌شود. این محرومیت جنسی می‌تواند سبب طلاق و ازهم‌گسیختگی رابطه زناشویی شود (مداح، ۱۳۹۴). رابطه زناشویی و رفتار جنسی سالم می‌تواند عامل مهمی در تأمین آرامش و ثبات خانواده بوده و در تأمین سلامت روان فرد و بهزیستی و ارتقاء کیفیت زندگی نقش مهمی داشته باشد. در زمینه رابطه جنسی می‌توان گفت اگر چه زندگی زناشویی سعادت‌مندان فقط تا اندازه‌ای مربوط به رابطه جنسی است؛ ولی این رابطه ممکن است از مهم‌ترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی در زندگی زناشویی باشد؛ زیرا اگر این رابطه قانع‌کننده نباشد، منجر به احساس محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی زیاد (به‌خطر افتادن سلامت روان) و در نتیجه ازهم‌پاشیدگی خانواده می‌شود (باقیان زارچی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین سلامت جنسی قسمتی از سلامت روانی است و اختلال در آن می‌تواند سلامت روانی را شدیداً تحت تأثیر قرار دهد. زوجینی که از رابطه جنسی خوبی برخوردار باشند، پایه‌های مستحکم زندگی خانوادگی توأم با سعادت را فراهم می‌آورند (زارع ده آبادی، ۱۳۹۰). در این زمینه مطالعاتی انجام شده است از جمله محمدصادق، کلاتر کوشه و نعیمی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان تجربه مشکلات جنسی در زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک به این نتایج رسیدند که ۷ مضمون اصلی شامل «رابطه جنسی»، «مشارکت جنسی» «طرح‌واره‌های جنسی»، «جذابیت جنسی»، «تمایلات جنسی»، «ارتباطات بین فردی زوجین» و «شرایط زندگی» از مصاحبه با زنان متقاضی طلاق استخراج شد. بهمنی، اعتمادی، احمدی و فاتحی زاده (۱۳۹۶)، در پژوهشی دیگر به این نتایج دست یافتند که نارضایتی از رابطه جنسی می‌تواند منجر به بروز مشکلات عمیق در روابط زوجین و ایجاد تنفر از همسر، دلخوری، حسادت، رقابت، حس انتقام‌گیری، احساس تحقیر، احساس عدم اعتماد به نفس و نظایر این‌ها شود. عنایت و پنجه بند (۱۳۹۴) در پژوهشی بیان کردند که اختلال در روابط جنسی زوجین زمینه دیگر آسیب‌های اجتماعی مثل خشونت خانگی و خیانت زناشویی را در خانواده آن‌ها فراهم می‌کند. موهید ادریس، عبدعزیز و موهید کامارولزمان^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای نشان دادند که یکی از عوامل از بین نه عامل در طلاق مربوط به مشکلات جنسی بین زوجین است. آپوستولو، کونستانینو و آناگنوستوپولوس^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی کیفی نشان دادند که ۶۲ دلیل برای

¹ Mohd Idris, Abd Aziz & Mohd Kamarulzaman

² Apostolou, Constantinou & Anagnostopoulos

طلاق وجود دارد که در ۷ کد اصلی تر (مشکلات ارتباطی، تفاوت جنسیتی، مسائل و مشکلات جنسی، خشونت خانگی، ویژگی‌های شخصیتی همسر، مسائل فامیلی، خیانت همسر) طبقه‌بندی کردند. موهلاتهول، سیتوله و شیریندی^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای دیگر نشان دادند که تغییر ناگهانی شخصیت، عدم ارتباط و ارتباط ضعیف، مشکلات مالی، مسائل جنسی و خیانت با طلاق در بین زوج‌های جوان همراه بوده است.

۳- روش‌شناسی

این تحقیق با کد پایان‌نامه ۱۸۸۲۰۷۰۶۹۷۲۰۴۱ از تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد اسلامی خمینی شهر تأییدیه دارد. مطالعه حاضر از نظر هدف بنیادی و از نظر نوع روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه پژوهش شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق که از مهر تا آذرماه سال ۱۳۹۸ به دادگستری شهرستان آمل مراجعه کرده بودند، می‌باشد. در این پژوهش افراد نمونه به صورت در دسترس از میان زوجین متقاضی طلاق شهرستان آمل انتخاب شدند و مصاحبه بر زوجین مراجعه‌کننده، انجام شد و در نهایت تعداد نمونه با ۲۰ زوج به اشباع رسید. ملاک‌های ورود شامل: متقاضی طلاق بودن، حداقل ۲ سال از زندگی مشترکشان گذشته باشد و تمایل به همکاری در پژوهش داشته باشند و ملاک‌های خروج شامل مصرف مواد توسط یکی از زوجین، داشتن اختلال شخصیت یکی از زوجین بود.

۳-۱- ابزار پژوهش

در این مطالعه برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه و پرسشنامه باز پاسخ استفاده شد که این روش برگزیده تشریح مختصر و کلی یک سری از عناوین و موضوعاتی است که باید با شرکت‌کنندگان در تحقیق بررسی شود، واژه‌نگاری و جمله‌بندی سؤالات، از قبل تعیین شده بود. در ابتدا دو مصاحبه به صورت آزمایشی انجام شد و به دلیل عدم همکاری زوجین به خاطر شرم و حیا، با نظر استاد راهنما سؤالاتی در خصوص حیطه‌های مسائل جنسی به دست آمده با آیتم‌های «عملکرد جنسی (میل، برانگیختگی، ارگاسم و فرونشینی)، مشکلات جنسی (درد، ترس، رضایت و واژینیسیموس برای زنان)، نقش جنسی، گرایش جنسی، انحرافات جنسی» و یک قسمت در خصوص سؤالات نظرسنجی در حیطه نقش رابطه جنسی در طلاق به صورت باز پاسخ تهیه شد و در اختیار استاد راهنما قرار گرفت و راهنمایی‌های لازم در مورد چگونگی پرسش‌ها توسط ایشان صورت گرفت که پژوهش حاضر در خصوص تجزیه و تحلیل سؤالات نظرسنجی انجام شده است. سپس با مراجعه به دادگستری برای زوجینی که برای طلاق مراجعه کرده بودند، هدف پژوهش توضیح داده و مصاحبه‌ها از آن‌ها انجام و سپس پرسشنامه‌ی باز پاسخ، نیز به آن‌ها برای تکمیل داده می‌شد (تک تک مردان و زنان مراجعه‌کننده به تعداد مساوی مورد مصاحبه قرار گرفتند). اکثر پژوهش‌ها در دادگستری آمل و بخشی در دفتر مشاوره مرتبط به دادگستری انجام شد. در مجموع قلمرو زمانی این پژوهش از تاریخ ۱۳۹۸/۷/۱ تا ۱۳۹۸/۹/۱ بود. با استفاده از آزمون فراوانی، درصد و آزمون خی دو (بررسی تفاوت پاسخ زنان و مردان در خصوص سؤالات نظرسنجی) تجزیه و تحلیل شد.

۴- یافته‌ها

در جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شده است:

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی

ویژگی‌ها	عبارات	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
		مردان		زنان	
سن	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	-	-	۴	۲۰
	بین ۲۵ تا ۳۰ سال	۷	۳۵	۴	۲۰

¹ Mohlatlole, Sithole & Shirindi

۳۵	۷	۱۵	۳	بین ۳۱ تا ۳۵ سال	
۲۵	۵	۴۰	۸	بین ۳۶ تا ۴۰ سال	
-	-	۱۰	۲	بالای ۴۰ سال	
۰	۰	۵	۱	ابتدایی	تحصیلات
۱۰	۲	۵	۱	راهنمایی	
۱۰	۲	۰	۰	دبیرستان	
۱۰	۲	۱۵	۳	دیپلم	
۱۵	۳	۰	۰	فوق‌دیپلم	
۴۰	۸	۶۵	۱۳	لیسانس	
۱۵	۳	۱۰	۲	فوق‌لیسانس	
-	-	۴۰	۸	کارمند	وضعیت شغلی
۵۵	۱۱	۵۵	۱۱	آزاد	
۴۵	۹	۵	۱	بیکار-خانه دار	

در جدول ۲ نتایج فراوانی پاسخ زنان و مردان به سؤالات باز پاسخ ارائه شده‌است:

جدول ۲. نتایج فراوانی پاسخ زوجین به سؤالات باز پاسخ

سؤالات باز پاسخ	پاسخ‌ها		زنان		مردان	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
در دوران مجردی چند درصد از زندگی مشترک را رابطه جنسی می‌دیدید؟	زیاد (از ۶۰ تا ۱۰۰)	۴	٪۲۰	۳	٪۱۵	
بعد از ازدواج چند درصد؟	متوسط (از ۴۰ تا ۶۰)	۱۲	٪۶۰	۶	٪۳۰	
	کم (از ۲۰ تا ۴۰)	۴	٪۲۰	۱۱	٪۶۵	
رابطه جنسی بدون رضایت چند درصد در فروپاشی زندگی زوجین نقش دارد؟	زیاد (از ۶۰ تا ۱۰۰)	۸	٪۴۰	۶	٪۳۰	
	متوسط (از ۴۰ تا ۶۰)	۸	٪۴۰	۶	٪۳۰	
	کم (از ۲۰ تا ۴۰)	۳	٪۱۵	۸	٪۴۰	
امور جنسی چقدر در پیدایش طلاق نقش دارد	نمی‌دانم	۱	٪۵	-	-	
	زیاد (از ۶۰ تا ۱۰۰)	۱۷	٪۸۵	۱۲	٪۶۰	
	متوسط (از ۴۰ تا ۶۰)	۲	٪۱۰	۱	٪۵	
	کم	-	-	۶	٪۳۰	
به نظر شما یک زوج بدون رضایت جنسی آیا باید به زندگی مشترک ادامه دهند یا	نمی‌دانم	۱	٪۵	-	-	
	نقش ندارد	-	-	۱	٪۵	
	زیاد (از ۶۰ تا ۱۰۰)	۱۵	٪۷۵	۷	٪۳۵	
	متوسط-تاحدودی (از ۴۰ تا ۶۰)	۵	٪۲۵	-	-	
	کم	-	-	۱۳	٪۶۵	
	جدا شوند	۷	٪۳۵	۶	٪۳۰	
	درمان کنند	۱۱	٪۵۵	۴	٪۲۰	
	بچه ندارند بله جدا شوند	۱	٪۵	-	-	

جدا شوند؟	نظر ندارم	۱	۵٪	۱	۵٪
	ادامه دهند	-	-	۵	۲۵٪
	خیانت باشد جدا شوند	-	-	۲	۱۰٪
	مهریه نباشد جدا شوند	-	-	۲	۱۰٪

نتایج جدول ۲ نشان داد که ۶۰ درصد زنان در دوران مجردی خود بین ۴۰ یا ۶۰ درصد (به طور متوسط) زندگی مشترک را در رابطه جنسی می‌دیدند. بیشتر زنان اهمیت رابطه جنسی را بعد از ازدواج متوسط و زیاد می‌دانستند. ۸۵ درصد زنان معتقد بودند که رابطه جنسی بدون رضایت در فروپاشی زندگی زوجین نقش دارد. ۷۵ درصد زنان اهمیت امور جنسی را در پیدایش طلاق بسیار زیاد می‌دانستند. ۵۵ درصد زنان معتقدند که زوجین باید به زندگی مشترک ادامه بدهند و در راستای درمان و اصلاح روابط تلاش کنند و ۳۵ درصد معتقد بودند که زوجین بدون رضایت جنسی باید از همدیگر جدا شوند.

همچنین نتایج جدول نشان داده است که ۶۵ درصد مردان در دوران مجردی اهمیت رابطه جنسی را در زندگی کم و بیشتر مردان بعد از ازدواج اهمیت رابطه جنسی را نیز کم برآورد کرده‌اند. ۶۰ درصد مردان رابطه جنسی بدون رضایت را در فروپاشی زندگی مؤثر می‌دانستند. ۶۵ درصد مردان امور جنسی را در پیدایش طلاق مؤثر می‌دانسته‌اند. ۳۰ درصد مردان بیان کردند که زوجین بدون رضایت جنسی باید از همدیگر جدا شوند و ۲۵ درصد بیان کردند که زندگی را ادامه دهند و ۲۰ درصد بیان کردند که بیان به دنبال درمان و بهبود رابطه باشند. نتایج آزمون خی دو برای مقایسه نظرات زنان و مردان در سؤالات نظرسنجی که مربوط به نقش مسائل جنسی در طلاق یا تداوم زندگی زناشویی می‌باشد، در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۳. نتایج آزمون خی دو برای مقایسه پاسخ زنان و مردان

مؤلفه	میزان خی دو	df	سطح معناداری
در دوران مجردی چند درصد از زندگی مشترک را رابطه جنسی می‌دیدید؟	۴/۸۵۰	۲	۰/۰۸۸
بعد از ازدواج چند درصد از زندگی مشترک را رابطه جنسی می‌بینید؟	۱۱/۴۰	۳	۰/۰۱۰
رابطه جنسی که رضایت‌بخش نیست بین زوجین چقدر در فروپاشی زندگی مشترک نقشی دارد؟	۷/۱۹	۳	۰/۰۶۶
امور جنسی چقدر در پیدایش طلاق نقش و سهم دارد؟	۱۰/۵۸	۲	۰/۰۰۴
یک زوج بدون رضایت جنسی باید به زندگی مشترک ادامه بدهند یا از هم جدا شوند؟	۳۵/۶۰	۶	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد بر اساس سطح معناداری به دست آمده تفاوت معناداری بین پاسخ زنان و مردان در خصوص اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران مجردی وجود ندارد. بین پاسخ زنان و مردان در خصوص اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران بعد از ازدواج وجود دارد که زنان رابطه جنسی در زندگی مشترک را بعد از ازدواج بیشتر با اهمیت می‌دهند. همچنین تفاوت معناداری بین پاسخ زنان و مردان در خصوص نقش عدم رضایت از رابطه جنسی در فروپاشی زندگی مشترک وجود ندارد. تفاوت معناداری بین پاسخ زنان و مردان در خصوص نقش امور جنسی در پیدایش طلاق وجود دارد و زنان نقش امور جنسی را در پیدایش طلاق نسبت به مردان مهم‌تر می‌دانند و تفاوت معناداری بین پاسخ زنان و مردان در خصوص ادامه یا جدا شدن از همدیگر به خاطر عدم رضایت جنسی وجود دارد. زنان بیشتر از مردان به ادامه زندگی و مردان به جدا شدن راغب هستند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش مسائل جنسی در زندگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق بود. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بر اساس سطح معناداری به‌دست‌آمده تفاوت معناداری بین پاسخ زنان و مردان در خصوص اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران مجردی و نقش عدم رضایت از رابطه جنسی در فروپاشی زندگی مشترک وجود ندارد درحالی‌که بین پاسخ زنان و مردان در خصوص اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران بعد از ازدواج، نقش امور جنسی در پیدایش طلاق و در خصوص ادامه یا جدا شدن از همدیگر به خاطر عدم رضایت جنسی تفاوت وجود دارد. مردان در مصاحبه‌های خود بیان کردند که اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران مجردی کم و زنان بیان کردند که متوسط بوده است. در خصوص اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران بعد از ازدواج مردان میزان کم و زنان متوسط تا زیاد را بیان کردند. در خصوص عدم رضایت از رابطه جنسی در فروپاشی زندگی مشترک هر دو جنس میزان اهمیت زیاد را بیان کردند. در خصوص نقش امور جنسی در پیدایش طلاق مردان میزان کم و زنان زیاد را مطرح کردند. همچنین در خصوص ادامه یا جدا شدن از همدیگر به خاطر عدم رضایت جنسی مردان بیان کردند که جدا شوند درحالی‌که زنان بیان کردند که درمان کنند و به زندگی مشترک ادامه دهند.

در خصوص عدم تفاوت در اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران مجردی در هر دو جنس می‌توان بیان کرد به خاطر اینکه افراد در دوران مجردی بسیاری از مسائل را تجربه نکرده‌اند و وارد یک رابطه عمیق و عاطفی نشده‌اند، نمی‌توانند درک درستی از میزان اهمیت رابطه جنسی داشته باشند. همچنین در نقش رضایت از رابطه جنسی در فروپاشی زندگی مشترک می‌توان بیان کرد رضایت از رابطه جنسی یکی از عوامل مهم رضایت از زندگی زناشویی است و کسانی که رضایت جنسی بیشتری دارند به‌طور فراوانی کیفیت زندگی بهتری را نسبت به آن‌هایی که رضایت جنسی ندارند، گزارش می‌دهند. اگر به هر دلیلی رابطه جنسی سالم میان زوجین برقرار نشود، یکی از دو طرف ناراضی، دلخور و دل‌زده خواهد شد و درگیری‌ها و مشکلات ارتباطی را بین همسران به وجود خواهد آورد و درنهایت فروپاشی زندگی را در پی خواهد داشت (موحد و عزیزی، ۱۳۹۰). رضایت از روابط جنسی، رضایت از زندگی را نیز افزایش می‌دهد. به‌طورکلی بی‌توجهی طولانی‌مدت به غریزه جنسی در انسان عوارض جبران‌ناپذیری به‌جای خواهد گذاشت و در اکثر مواقع موجب اختلال در روابط جنسی و عدم رضایت جنسی زوج‌ها شده و منجر به فروپاشی بنیان خانواده می‌گردد (Stephenson, 2020). اگر روابط جنسی بین زن و شوهر رضایت‌بخش نباشد منجر به احساس محرومیت، ناکامی، احساس ناامنی و عدم احساس خوشبختی می‌شود (میرمعزی، ۱۳۹۵). نکته مهم اینکه روابط جنسی از ارتباط عاطفی بین زوجین تأثیر می‌گیرد و به دنبال نارضایتی جنسی، امکان بروز مشکلات نارضایتی زناشویی و درنهایت مشکلات خانوادگی وجود دارد. مطالعات متعددی نشان داده که رضایت جنسی به‌طور مثبت با شاخص‌های کیفیت در رابطه مثل عشق، تعهد و پایداری و به‌طور معکوس با تعارضات و احتمال طلاق و گسستن پیوند زناشویی رابطه دارد. اختلال در رضایتمندی جنسی به هر علتی که ایجاد شود، پیامدهای متفاوتی به دنبال دارد و ممکن است موجب سطح متوسطی از اضطراب و افسردگی شود. همچنین بر مشکلات بین فردی همچون تعارضات زناشویی، کیفیت پایین ارتباط زناشویی و رضایت زناشویی پایین که خود نیز جزء عوامل ایجادکننده اختلال در عملکرد زناشویی می‌شود (بابایی، ۱۳۹۷). ضمناً در عدم تفاوت بین نظرات دو جنس در خصوص نقش رضایت از رابطه جنسی در فروپاشی زندگی مشترک می‌توان بیان کرد که بیشتر زوجین متقاضی طلاق این مسئله را هم در رابطه خود و هم روابط دیگران دیده‌اند که رضایت جنسی برای دوام زندگی لازم است و با توجه به اینکه این نیاز هم برای مردان و هم زنان در زندگی زناشویی مهم است تفاوتی از لحاظ اهمیت آن در فروپاشی زندگی با همدیگر ندارند.

در خصوص اهمیت رابطه جنسی در زندگی مشترک در دوران بعد از ازدواج در زنان نسبت به مردان می‌توان به نتایج پژوهش عظیمی، خلیل‌میرزایی و وارسته‌فر (۱۳۹۸) اشاره کرد که نشان دادند بین زنان و مردان در بروز و شکل‌گیری کشش‌ها و رانش‌های جنسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در این زمینه می‌توان بیان کرد که زنان به مسائل جنسی به دید صمیمیت و دریافت نوازش نگاه می‌کنند؛ بنابراین اهمیت آن را از لحاظ روانی بیشتر برآورد می‌کنند. همچنین زوجین پژوهش حاضر زوجینی هستند که به خاطر مسائل

جنسی متقاضی طلاق هستند و بعضی از آن‌ها همسرشان خیانت کرده است و علت خیانت را مسائل جنسی می‌دانند به خاطر همین اهمیت روابط جنسی را بیشتر از مردان در زندگی مشترک برآورد کرده‌اند از جمله ۵ نفر از شرکت‌کنندگان علت طلاق خود را خیانت همسر بیان کردند. همچنین در عرف و فرهنگ به زنان یاد داده‌اند و این باور را به آن‌ها القاء کرده‌اند که مردان به مسائل جنسی خیلی اهمیت می‌دهند و بیشتر علل روابط فرا زناشویی به خاطر مسائل جنسی و سکس می‌باشد، برای همین زنان بیشتر فکر می‌کنند که روابط جنسی در زندگی نقش مهمی دارد.

در خصوص اهمیت نقش امور جنسی در پیدایش طلاق در زنان نسبت به مردان می‌توان بیان کرد زنان امروزی نسبت به این مسائل اهمیت بیشتری می‌دهند و این مسائل را در شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ها می‌بینند و چون این ذهنیت از قدیم وجود دارد که مردان به خاطر مسائل جنسی، بیشتر به دنبال روابط فرا زناشویی و طلاق می‌روند، زنان نقش امور جنسی را در پیدایش طلاق دارای اهمیت بیشتری می‌دانند و همچنین زنان شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها بیان کردند که در مسائل جنسی نیز با همسر خود دارای مشکل هستند و همین مسئله بر پاسخگویی و نظر زنان تأثیر گذاشته است. در حالی که مردان به خاطر شرایط جامعه راحت‌تر می‌توانند این نیاز خود را برآورده کنند و نگرشی مبنی بر اینکه به خاطر مسائل جنسی زوجین طلاق بگیرند را ندارند، علیرغم اینکه شاید خودشان در خصوص رابطه جنسی مشکل داشته باشند. به طور نمونه یکی از مردان بیان کرده است: «هرگز راضی به رابطه جنسی همسر با فرد دیگری نیستم اما خودخواهانه برای خودم مشکلی نمی‌بینم».

نقش روابط جنسی در تحکیم رابطه همسران غیرقابل انکار است و این نقش و اثر در گذرگاه‌های مختلف زندگی، هم در زندگی‌های پایدار و هم در زندگی‌های متزلزل و فروریخته شده، به چشم می‌خورد. ارضای صحیح غریزه جنسی زوجین و صحبت از تمایلات جنسی به‌عنوان یک پدیده مستقل مسئله‌ی مهم و پیچیده‌ای است که هیچ‌گاه نباید از کنار آن بی‌تفاوت گذشت؛ زیرا در استحکام و یا تزلزل خانواده نقش مهمی دارد (حمید، دهقانی زاده و فیروزی، ۱۳۹۱). فقدان مهارت جنسی برخلاف نقش تعیین‌کننده‌اش در پایداری و سلامت روابط زوجین، ناشی از عدم آموزش مهارت‌های جنسی به زوجین است که به بی‌توجهی به خواسته‌های جنسی همسر می‌انجامد. تأثیر روابط جنسی در استحکام زناشویی به قدری است که برخی ابراز کردند با وجود علاقه بسیاری که به همسر خود داشتند، دیگر قادر به ادامه زندگی با او نبودند؛ زیرا او همواره از برقراری رابطه جنسی طفره می‌رفت. تأثیرات روانی اختلال جنسی در بسیاری مواقع ناخودآگاه است؛ به‌گونه‌ای که زوجین نمی‌دانند احساس تنفر آنان از یکدیگر و احساس نارضایتی از زندگی، ریشه در عدم رضایت جنسی دارد (قلی‌زاده، بانکی پورفرد و مسعودی‌نیا، ۱۳۹۴). از آنجاکه آمارهای طلاق و علل آن نشان می‌دهد که علت مستقیم یا غیرمستقیم بسیاری از متارکه‌ها در کشور ناشی از مشکلات و اختلالات جنسی زوج‌ها است، امروزه کارشناسان صاحب‌نظر در موضوعات گوناگون خانواده معتقدند که ریشه بسیاری از روابط خارج از چارچوب خانواده را در افراد متأهل می‌توان در بی‌ثباتی و آشفتگی روابط جنسی زوج‌ها یافت (فاتحی دهقانی و نظری، ۱۳۹۰). همان‌طور که یافته پژوهش مهدی زادگان، برکت و گل پرور (۱۳۹۵)، نشان داد که عملکرد جنسی کلی زنان در آستانه طلاق نسبت به زنان عادی متفاوت است و عملکرد جنسی کلی زنان عادی بالاتر از زنان در آستانه طلاق است. به خاطر اینکه افراد در آستانه طلاق دارای مشکلات زناشویی، نسبت به افراد عادی احساس مسؤولیت خاصی در مقابل رضایت و تأمین جنسی همسر خود نمی‌کنند و احساس نیاز ذاتی یا میل به هماهنگی برای برآورده ساختن نیازهای جنسی همسر خود ندارند و زمانی وارد روابط جنسی می‌شوند که خود از آن بهره ببرند. این‌گونه رفتارها موجب از بین رفتن فضای صمیمیت و عشق می‌شود و به‌مرور موجب بی‌علاقگی برای ارتباط خواهد شد و به تبع آن مشکلات دیگری در زندگی زوج‌ها ایجاد می‌شود.

همچنین در خصوص نظر زنان درباره درمان و ادامه زندگی و نظر مردان درباره جدا شدن به خاطر عدم رضایت جنسی می‌توان بیان کرد روابط جنسی شکل‌دهنده بخشی از ادراکات زوجین از همدیگر است و ادراکات جنسی در بین زوجین ارتباط مثبت با رفتارهایی دارد که نگهدارنده و تداوم‌بخش ازدواج است. همان‌طور که جهانی دولت‌آبادی (۱۳۹۷) در پژوهش خود بیان کرده است که اعتقاد به

تداوم زناشویی به‌عنوان وظیفه در مقابل اعتقاد به تداوم زناشویی تا جایی که رضایت فردی (جنسی) تأمین می‌شود، حائز اهمیت است. همچنین نتایج تحقیقات نشان داده است که صمیمیت جنسی با صمیمیت عاطفی در ارتباط است و رابطه جنسی به‌منزله مینباتور رابطه عمومی است. وجود شرایط همیشگی خشونت و عصبانیت بین زوجین فرصت‌های شیرین و رمانتیک را سلب کرده مجالی برای تحریک، هوس جنسی و برقراری رابطه جنسی نمی‌ماند (امیریان‌زاده، امیریان‌زاده و یزدانی، ۱۳۸۴). بااین‌حال در جامعه فعلی با این‌که آمار طلاق رو به افزایش است و قبح طلاق بین زوجین ریخته است، زنان به خاطر اینکه بعد از طلاق آینده خوب و روشنی ندارند و مردم به دید یک زن مطلقه به او نگاه می‌کنند، ترجیح می‌دهند که مشکلات خود را با همسرشان درمان کنند و برای آن راه‌حل پیدا کنند تا جدا بشوند. زنان در هر یک از سه مرحله (پیش، حین و پس) از طلاق در مقایسه با مردان شرایط حادتر اجتماعی را تجربه می‌کنند؛ بدین معنی که آن‌ها با احساس طردشدگی، سردی و سرزنش بیشتری از سوی اطرافیان نزدیک روبه‌رو هستند (نوابی نژاد، محمدیف کریمی و فلاح، ۱۳۹۶؛ آرمن و اژدری، ۱۳۹۷). این در حالی است که مردان به خاطر نیاز جنسی بیشتری که نسبت به خانم‌ها دارند به دنبال جدایی هستند. همچنین تحقیقات بسیاری نشان داده است که مشکل و نارضایتی در روابط جنسی علت ناسازگاری‌های زوجین است و ناسازگاری‌های زوجین نیز می‌تواند علت مشکل در روابط جنسی باشد و این دو مسئله ارتباط تنگاتنگی باهم دارند. امیال و نیازهای جنسی در زندگی زناشویی نقش اساسی دارند، لذت جنسی موجب می‌شود بسیاری از مشکلات روزمره زندگی و اختلافات زناشویی نادیده گرفته شود و وابستگی عاطفی بین زن و شوهر افزایش یابد. افرادی که در رابطه جنسی خود با همسرشان رضایت بالایی داشتند و به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای کیفیت زندگی بهتری را نسبت به آن‌هایی که رضایت ندارند، گزارش می‌کنند (میرمعزی، ۱۳۹۵). قابل‌ذکر است، افراد در پرداختن به این مسئله با محدودیت‌های فرهنگی- اجتماعی و خانوادگی مواجه هستند و در بسیاری از موارد ضعف اطلاعاتی و نقایص مهارتی در این زمینه مزید بر علت است، شرایط برای بروز اختلافات زناشویی و تعارض‌های دیگر فراهم می‌گردد؛ لذا پرداختن مستقیم به شناسایی و تشخیص این اختلالات و آگاه شدن بر عوامل تأثیرگذار بر این فرآیند می‌تواند به حل مشکلات زوجین و بهبود روابط آنان کمک نماید. با توجه به آنچه بیان شد یک ارتباط جنسی مشکل‌آفرین، ممکن است بر تعامل زن و شوهر تأثیر زیان‌آوری داشته باشد و در عمل ممکن است چرخه‌ی معیوبی رخ دهد که در آن ناهماهنگی زناشویی با عملکرد موفقیت‌آمیز جنسی تداخل می‌کند و ناهنجاری جنسی موجب بروز ناسازگاری زناشویی و اقدام به طلاق می‌شود. به‌طور خلاصه و درمجموع می‌توان بیان کرد که بیشتر زوجین متقاضی طلاق در ابعاد مختلف مسائل جنسی عملکرد جنسی (میل، برانگیختگی، ارگاسم و فرونشینی)، مشکلات جنسی (رضایت، درد، ترس، واژینیسموس)، هویت و نقش جنسی، کیفیت گرایش‌های جنسی و انحرافات جنسی (پارافیلیا) دارای مشکل بوده‌اند و این مسائل را در پیدایش طلاق بسیار بااهمیت می‌دانستند و اکثر مردان ترجیح می‌دهند که طلاق بگیرند و زنان به خاطر مسائل جامعه ترجیح می‌دهند که درمان کنند یا ادامه دهند. بااین‌وجود مسائل جنسی به میزان کمی به‌تنهایی باعث طلاق می‌شود و مسائل دیگری که منشأ آن به مشکلات جنسی برمی‌گردد را در برمی‌گیرد که آن‌ها باعث طلاق می‌شود از جمله روابط فرا زناشویی، پورنوگرافی، خشونت، روی آوردن به مواد مخدر یا دوستان، صحبت از افراد دیگر و مقایسه آن با همسر و سکس‌های ضربداری و گروهی و ...؛ بنابراین در خصوص طلاق زوجین باید ریشه‌یابی دقیق‌تری صورت گیرد و در مشاوره زوجین برای طلاق مسائل جنسی بیشتر مورد بررسی قرار گیرند و آموزش‌های لازم و تخصصی در این زمینه به زوجین داده شود.

محدودیت‌های پژوهش شامل این بود که پژوهش حاضر به بررسی کیفیت روابط جنسی زوجین متقاضی طلاق در شهرستان آمل انجام شده‌است و به دلیل تفاوت فرهنگی، تعمیم آن به جوامع دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. همچنین مشکل در تخصیص یک سؤال به یک مؤلفه چون این مسائل خیلی پیچیده و به هم نزدیک هستند و نوع برداشت یا واژه‌های استفاده‌شده در پژوهش‌ها یا فرهنگ‌ها متفاوت است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که با توجه به مسائل فرهنگی و مذهبی متفاوت در شهرهای مختلف ایران، در هر فرهنگی این پژوهش به‌صورت جداگانه انجام شود و نتایج آن به‌صورت فرا تحلیل مورد بررسی قرار گیرد. همچنین با توجه به اینکه

در پژوهش حاضر وضعیت مکانی و زمانی پاسخ به پرسشنامه، ویژگی‌های شخصیتی، تعدد نزدیکی، مدت رابطه جنسی مورد بررسی قرار نگرفته است، لذا پیشنهاد می‌شود این عوامل و همچنین عوامل جمعیت شناختی (سن، تحصیلات، علت مراجعه برای طلاق) که احتمال دارد بر یافته‌های پژوهش تأثیرگذار باشد، در پژوهش‌های آتی مدنظر قرار گیرند.

۶- تقدیر و تشکر

با سپاس از دو وجود مقدس، خداوند و خانواده‌ام. همچنین سپاسگزارم از جناب دکتر گرجی که افتخار همکاری در این مقاله را نصیب کردند و در نهایت سپاسگزارم از افرادی که حاضر شدند در این مصاحبه تجربیات خود را هرچند تلخ در اختیارم بگذارند.

۷- منابع

- ۱- آزمند، م. ع.، و اژدری، آ. (۱۳۹۷). زندگی زنان پس از طلاق با رویکرد کیفی (مطالعه موردی: شهرستان شاهین‌دژ). پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۱۲ (۳ و ۴)، ۷-۲۵.
- ۲- امیریان‌زاده، م.، امیریان‌زاده، م.، و یزدانی، ز. (۱۳۸۴). رابطه بین طلاق و مشکلات جنسی. ثومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی، تهران.
- ۳- اوحدی، ب. (۱۳۸۴). تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیرطبیعی انسان. انتشارات صادق هدایت، تهران.
- ۴- بابایی، ا. (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان درگیر خشونت خانگی براساس طرحواره‌های جنسی، عملکرد جنسی و رضایت جنسی. نشریه روان‌پرستاری، ۶ (۵)، ۱۶-۲۳.
- ۵- باقیان زارچی، ا. (۱۳۹۳). بررسی عوامل پیش‌بینی کننده رضایت جنسی زنان شهر یزد. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه اصفهان.
- ۶- بهمنی، ن.، اعتمادی، ع.، احمدی، ا.، و فاتحی زاده، م. (۱۳۹۶). کشف عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی زوجین ایرانی: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات علوم رفتاری، ۱۵ (۴)، ۴۶۷-۴۷۳.
- ۷- جهانی دولت‌آبادی، ا. (۱۳۹۷). بررسی میزان انطباق واقعیت روابط زناشویی در ایران با مفهوم رابطه ناب‌گیدنز (مورد مطالعه شهر تهران). مطالعه زن و خانواده، ۶ (۲)، ۲۵-۵۸.
- ۸- حمید، ن.، دهقانی‌زاده، ز.، و فیروزی، ع. ا. (۱۳۹۱). تأثیر درمان شناختی-رفتاری بر عملکرد جنسی زنان مبتلا به اختلال واژینیسوس. مجله زنان، مامائی و نازایی ایران، ۱۵ (۲۰)، ۱-۱۱.
- ۹- زارع ده‌آبادی، ز. (۱۳۹۰). بررسی رابطه میزان و نوع کژکاریهای جنسی با سلامت روان و رضایت زناشویی زنان متأهل شاغل در آموزش و پرورش ناحیه ۱ یزد. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، پردیس آموزش‌های نیمه حضوری.
- ۱۰- طلایی‌زاده، ف.، و بختیارپور، س. (۱۳۹۵). رابطه‌ی رضایت زناشویی و رضایت جنسی با سلامت روان زوجین. اندیشه و رفتار، ۱۰ (۴۰)، ۳۷-۹۴.
- ۱۱- عظیمی، ن.، خلیل‌میرزایی، خ.، و وارسته‌فر، ا. (۱۳۹۸). جنسیت و تفاوت‌های جنسی بین زنان و مردان (مطالعه موردی: شهر تهران). پژوهش اجتماعی، ۱۱ (۴۴)، ۱۹-۴۰.

- ۱۲- عنایت، ح.، و پنجه بند، ی. (۱۳۹۴). کاوش بسترها و پیامدهای اختلالات جنسی در فرایند طلاق براساس رویکرد گراندد تنوری. *ارمغان دانش*، ۲۰(۱۲)، ۱۱۳۰-۱۱۴۶.
- ۱۳- فاتحی دهاقانی، ا.، و نظری، م. ع. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۲۵، ۱۳-۵۴.
- ۱۴- فولادی، ا.، و شاه نعمتی گاوگانی، ن. (۱۳۹۴). بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی-تبریز. *جامعه پژوهی قره‌نگی*، ۶(۲).
- ۱۵- قلی‌زاده، آ.، بانکی‌پورفردی، ا.، و مسعودی‌نیا، ز. (۱۳۹۴). مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۱)، ۳۹-۶۴.
- ۱۶- محبی، م. ع. (۱۳۹۰). خانواده و شاخص‌های تنظیم روابط جنسی. *معرفت*، ۲۰(۱۷۱)، ۷۳-۵۷.
- ۱۷- محمدصادق، ع.، کلاتر کوشه، م.، و نعیمی، ا. (۱۳۹۷). تجربه مشکلات جنسی در زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۷(۱)، ۳۵-۴۷.
- ۱۸- مداح، ف. (۱۳۹۴). *بررسی رابطه بین تعارضات زناشویی و اختلالات جنسی در افراد متقاضی طلاق شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه سمنان.
- ۱۹- مهدی‌زادگان، ا.، برکت، ا.، و گل‌پرور، م. (۱۳۹۵). مقایسه عملکرد جنسی مردان و زنان عادی با مردان و زنان در آستانه طلاق شهر اصفهان. *فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۶۳، ۱۶-۲۴.
- ۲۰- موحد، م.، و عزیزی، ط. (۱۳۹۰). مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۹(۲)، ۱۸۱-۲۰۶.
- ۲۱- میرمعزی، ن. (۱۳۹۵). *شناخت تجربه رضایت جنسی از دیدگاه مردان و زنان متأهل ایرانی، پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی*.
- ۲۲- نوابی‌نژاد، ش.، محمدی، ر.، کریمی، ی.، و فلاح، ف. (۱۳۹۶). معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی پدیدارشناسانه. *زن و جامعه*، ۸(۳)، ۹۳-۱۱۶.
- ۲۳- یاقوتیان، م.، سلیمانیان، ع.، و بخشی، م. (۱۳۹۴). اثربخشی غنی‌سازی ارتباط بر کاهش دلزدگی زناشویی والدین کودکان آسیب‌دیده بینایی. *تعلیم و تربیت استثنایی*، ۵(۱۳۳)، ۲۸-۳۴.
- ۲۴- یزدان‌پناه، ف.، جورکش، ف.، دهقان، ع.، و جعفرنژاد، ابوبکر. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط رضایت از شغل با شادکامی در کارکنان ستادی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۴. *مجله دانشگاه علوم پزشکی جیرفت*، ۶(۱)، ۵۶-۱۴۵.
- 25- Apostolou, M., Constantinou, C., & Anagnostopoulos, S. (2019). Reasons that could lead people to divorce in an evolutionary perspective: evidence from Cyprus. *Journal of Divorce & Remarriage*, 60(1), 27-46.
- 26- <https://www.magiran.com/article/4290941>.
- 27- Mohd Idris, M. F., Abd Aziz, K. A., & Mohd Kamarulzaman, M. F. (2019). Determination of the strongest factor of divorce in Perlis by using Fuzzy Analytic Hierarchy process/Mohd Fazril Izhar Mohd Idris, Khairu Azlan Abd Aziz, Muhammad Farhan Mohd Kamarulzaman. *Jurnal Intelek*, 14(1), 55-65.
- 28- Maasoumi, R., Shivarani, M., Lamb, R., & Zarei, F. (2020). Exploring the Role of Religious Teachings in Iranian Women's ee xu Lff eeennrrios. *Sexuality & Culture*, 24(1), 197-208. [in Persian].
- 29- Mohlatole, N. E., Sithole, S., & Shirindi, M. L. (2018). Factors contributing to divorce among young couples in Lebogakomo. *Social Work*, 54(2), 256-274.
- 30- Ramos Salazar, L. (2015). The negative reciprocity process in marital relationships: A literature review. *Aggress Violent Behav*, 24, 113-9.
- 31- vvvíkov,, A., & dddkklov,, T. (2020). Th Ro of xxxu Avvvvty from hh Perspective of Older Adults: A Qualitative Study. *Archives of Sexual Behavior*, 49(3), 969-981.

- 32- Shakerian, A., Nazari, A. M., Masoomi, M., Ebrahimi, P., & Danai, S. (2014). Inspecting the relationship between sexual satisfaction and marital problems of divorce-asking women in Sanandaj City family courts. *Procedia Soc Behav Sci*, 114, 327-33.
- 33- Stephenson, K. R. (2020). Exploring the role of sexual avoidance in male sexual dysfunction. *The Journal of Sex Research*, 57(4), 522-533.
- 34- Student, R. A. P., & Student, A. L. P. (2011). Relationship between sexual pleasure and marital satisfaction. *Iran Journal of Nursing*, 24(70), 82-90.



Investigating the Role of Sexual Issues in the Married Life of Divorce Applicant Couples by the Thematic Method

Fahimeh Rajaei¹, Yousef Gorji^{2*}

1. M.A in Family Therapy Psychology, Islamic Azad University, Khomeinishahr Branch, Isfahan, Iran.

jtaghiyar2000@gmail.com

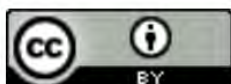
2. Assistant professor and faculty member of Psychology Department, Islamic Azad University, Khomeinishahr Branch, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

gorji@iaukhsh.ac.ir

Abstract

This study's purpose was to investigate the role of sexual issues in the married life of Couples who are applicants for divorce. The research method is Fundamental in purpose and descriptive-analytical type. The statistical population included all couples being applicants for divorce in Amol city who had been referred to the city court from October to December 2019. In this study, among those referring people, a semi-structured interview was conducted between available ones, and finally, the number of samples was saturated with 20 couples. Findings were quantitatively analyzed using percentage and frequency and the chi-square test. The results showed no significant difference between the responses of men and women regarding the importance of sex before marriage and the sexual dissatisfaction role in the collapse of cohabitation. However, there is a difference between the responses of men and women regarding the importance of sex after marriage, the role of sex in the emergence of divorce, and the continuation or separation of each other due to sexual dissatisfaction. Women overestimated the importance of sexual issues after marriage and the importance of sex in the breakdown of married life and the emergence of divorce more than men.

Keywords: Divorce Applicants Couples, Marital life, Sexual Issues.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)